هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

# مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله
**یادی از شهدای راه تفاهم و وحدت**
ص۲

**پیمان شانگهای به کجا می رود؟**
ص۳

**ناتو و جانبداری از تفاهم با طالبان**
ص۲

**تصحیحی ضروری**
عنوان سرمقالهٔ شمارهٔ پیشین "استقلال را چگونه بشناسیم" نه بلکه **استقلال را چگونه بستاییم؟** بوده است

دور ششم سال ششم شمارهٔ شانزدهم شنبه ۳ سنبله۱۳۸۶ ۱۱ شعبان المعظم ۱۴۲۸ - 25 August 2007

# از هشتاد و هشتمین سالروز استرداد استقلال افغانستان تجلیل شد



به منظور بزرگداشت از روز استرداد استقلال کشور روز یکشنبه ۲۸ اسد در ستدیوم ورزشی کابل همایشی برگزار شد که در آن رهبران جهاد، رئیس جمهور حامد کرزی و معاونان ریاست جمهوری و جمعی غفیر از هموطنان اشتراک داشتند.

حامد کرزی در سخنرانی خویش سالروز استقلال کشور را به مردم آفغانستان و رهبران جهادی تبریک گفته یاد آور شد که به دست آوردن استقلال یک مساله یی است ولی حفظ آن مساله دیگر است.

وی در سخنان خود خطاب به شاگردان مکتب که در این همایش حاضر شده بودند آنها را به فراگیری علم و دانش جهت تحکیم استقلال کشور تشویق نمود و از آنان خواست تا به منظور بی نیازی این سرزمین از کشورهای دیگرکوشش نمایند تا بهتر بیاموزند و برای حفظ استقلال و آزادی این کشور زندگی خود را وقف تعلیم و تربیت نمایند.

در جریان این مراسم ینروهای اردوی ملی و پولیس ملی و شاگردان معارف و ورزشکاران و شوراهای اقوام مختلف نمایش هایی را اجراء نمودند.

مراسم امسال در محوطه ورزشگاه صورت گرفت و نمایش هایی نسبتاً گستردهٔ نظامی و تسلیحاتی مانند سالهای گذشته در آن وجود نداشت.

## پارلمان کارنامه های دولت را بررسی می کند

مجلس نمایندگان در نشست روز چهارشنبه ۳۰ اسد، تشکیل کمیسیون بررسی و مطالعهٔ اعمال حکومت را به تصویب رساند. این کمیسیون مطابق مادهٔ ۸۴ قانون اساسی تشکیل شده و وظیفه دارد عملکرد حکومت را نظارت و نتایج کار خود را به مجلس عمومی ارائه نماید.

کمیسیون مذکور ۲۰ عضو داشته شش ماه فرصت دارد تا گزارش خود را آماده نماید.

در این نشست موضوع مناقشهٔ لوی سارنوال با پارلمان نیز مورد بحث قرار گرفت و اظهارات عبدالجبار ثابت در مورد اعضای پارلمان و رئیس آن، با انتقاد شدید نمایندگان رو به رو شد.

اخیراً عبدالجبار ثابت انتقادات تندی در برابر اعضای مجلس نمایندگان و محمد یونس قانونی رئیس این مجلس عنوان نموده و از حضور در نشست پارلمان امتناع کرده است.

رویا رویی لوی سارنوال و پارلمان آخرین بحران رویا رویی قوای سه گانهٔ دولت افغانستان می باشد. قبلاً پارلمان و قوای اجرائیه با استیضاح وزیران خارجه و مهاجرین در برابر هم قرار گرفتن و حکومت آقای کرزی از پذیرفتن برکناری وزیر خارجه امتناع نمود.

## در یک حملهٔ هوایی نیروهای آمریکا ۳ سرباز انگلیسی ر هلمند کشته شدند!

وزارت دفاع انگلیس امروز (جمعه) اعلام کرد. گفته می‌شود بر اثر رها شدن بمبی از یک جنگنده‌ی آمریکایی در جنوب افغانستان، سه سرباز انگلیسی کشته شدند.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، دو تن دیگر طی این حادثه زخمی شدند.

وزارت دفاع انگلیس گفت که این نیروها در حال گشت زنی در شمال غرب استان هلمند بودند که با حمله شبه نظامیان طالبان روبرو شدند و طی درگیری‌ها و با توجه به درخواست حمایت هوایی، دو فروند F-15 آمریکا به مواضع این شبه نظامیان حمله کردند و بمب‌ها را در این منطقه رها کردند که بر اثر انفجار این بمب سه سرباز انگلیسی کشته شدند.

### انتخابات ریاست جمهوری ترکیه به دور سوم رفت

## عبدالله گل به احتمال قوی رئیس جمهور ترکیه خواهد شد



پارلمان ترکیه دیروز جمعه دور دوم انتخابات ریاست جمهوری این کشور را در حالی برگزار کرد که کاندیداهای شرکت کننده هم چون دور اول نتوانستند آراء مورد نیاز برای پیروزی در این دور را از آن خود کنند.

به گزارش خبرگزاری ایسنا به نقل از روزنامه‌ی نیو آناتولین ـ چاپ ترکیه ـ کوکسال توپتال، رئیس پارلمان ترکیه در آغاز برگزاری دور دوم انتخابات اسامی نماینده‌ها را حاضر ـ غایب کرد تا مشخص شود آیا ۳۶۷ نماینده یا دو سوم ۵۵۰ نمایندهٔ پارلمان که حضورشان به عنوان حد نصاب برای انتخاب رئیس جمهور در این دور ضروری است، حضور دارند یا خیر.

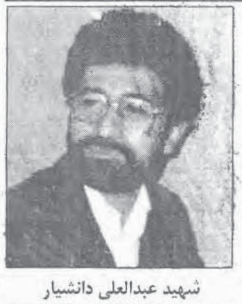
اما با وجود تحریم حزب مخالف اصلی پارلمان تعداد نمایندگان حاضر به حد نصاب لازم برای برگزاری دور دوم انتخابات ریاست جمهوری رسید.

عبدالله گل، وزیر امور خارجهٔ ترکیه از حزب عدالت و توسعه، صباح الدین کاکماکوغلو، از حزب جنبش ملی گرای افراطی و تایفون ایجلی از حزب چپ دموکرات سه کاندیدای ریاست جمهوری بودند که در این دور باز هم با یکدیگر به رقابت پرداختند.

عبدالله گل در اولین دور رأی‌گیری که در ۲۰ آگست برگزار شد، ۳۴۱ رأی را از آن خود کرد در حالی که **ادامه درص۶**

# د هیواد د تلپاتي سیاسي څېرو په یاد

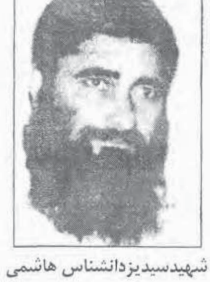
۵ مخ


شهید عبدالعلی دانشیار


شهیدعبدالعزیز مراد


شهیدعبدالرحیم غفورزی


شهیدسید محمد امین سجادی


شهیدسیدیزدانشناس هاشمی


شهید دکترکریم زارع


شهید حسین مقصودی

**په ۱۳۷۶ هجري شمسي کال د اسد پر ۳۰ مه د بامیانو په هوایي ډګر کې یوه زړه بګنوونکې پېښه وشوه، چې ټول هېوادوال پرې له زړه نه خپه شول، په دې پېښه کې دهغه زمانی د شرایطو په پام کې نیووسره ډېر تکړه او ځیرک سیاست پوهان شهیدان شول، جمعیت اسلامي دهغو شهیدانو دیاد لمانځنه او روح ته یې دعاکوي**

مجاهد
ارگان نشراتی جُمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- بهارستان ـ جادهٔ معین الدین چشتی ـ کوچهٔ قصابی دست چپ ـ کوچهٔ پنجم ـ خانهٔ پنجم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahidweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

## سرمقاله

# یادی از شهدای راه تفاهم و وحدت

۳۱ اسد سالروز شهادت جمعی از رجال برجسته دولت اسلامی افغانستان است که طی یک سانحه در فرودگاه بامیان به جوار حق پیوستند. در این روز هیأت بلند پایهٔ دولت اسلامی تحت ریاست شهید عبدالرحیم غفورزی صدر اعظم تازه انتخاب شده دولت اسلامی و جبههٔ متحد همراه با شهیدان عبدالعزیز مراد سخنگوی ریاست دولت و عبدالعلی دانشیار و یزدانشناس هاشمی و عبدالکریم زارع و سید محمد امین سجادی و محمد رحیم رفعت و سید حسین مقصودی و... از نمایندگان گروه های مختلف شامل جبهه جهت مذاکره و تفاهم با سران حزب وحدت اسلامی و چیدن مقدمات تشکیل کابینهٔ جدید که مظهر کامل وحدت ملی در کشور باشد، به بامیان سفر نمودند ولی با تأسف زیاد که هواپیمای حامل شان حین نشست در فرودگاه دچار سانحه شد و همه به شهادت رسیدند و از سرنشینان هواپیما جز دو تن حاجی عبدالقهار رئیس دفتر پیشین وزارت خارجه و فیض فرمول دیگر کسی زنده نماند.

در همان روزها حدس و گمان هایی در مورد توطنه، خرابکاری و یا نقص فنی هواپیما و یا خرابی هواپیما و... وجود داشت و احتمالات زیادی مورد بحث بود اما تا هنوز در این زمینه هیچ نوع بررسی کارشناسانه صورت نگرفته است ولی آنچه که به این مأموریت مهم ارتباط می گیرد، موضوع خطیر وحدت ملی و ضرورت تفاهم و همگرایی همه نیروهای مطرح در کشور است.

دولت اسلامی مجاهدین با وجود اتهامات و انتقادات بی شمار مخالفان هرگز یک دولت انحصاری و متعلق به قوم، سمت، مذهب و حزب و گروهی خاص نبود بلکه به معنی واقعی کلمه یک دولت گسترده بنیاد و فراگیر بود. دولت اسلامی یک دولت ائتلافی از همه سازمان های جهادی و گروه های مختلف قومی و سمتی و افراد وابسته به رژیم های قبلی و یا بی طرف بود و رهبری دولت از همه افغان های شایسته و کاردان - صرف نظر از تعلقات فکری و حزبی - دعوت نموده بود تا در اعمار افغانستان ویران سهم بگیرند. این سیاست رهبری دولت از همان آغاز پیروزی جهاد تا تشکیل ادارهٔ موقت ادامه داشت و سفر هیأت عالیرتبهٔ دولت در ۳۰ اسد ۱۳۷٦ نیزدر راستای تحقق هر چه بیشتر این اهداف و این سیاست صورت گرفته بود، یکی از میزات مهم دولت اسلامی در کنار فراگیر بودن آن، توجه داشتن و اهمیت دادن به شایستگی، کاردانی و تخصص افراد بود. در دولت اسلامی افغانستان از رئیس جمهور و صدر اعظم تا اکثر وزراء و رؤسا همه دارای تحصیلات عالی و شخصیت های کار فهم و دارای تجارب در زمینه های کارشان بودند.

در تاریخ افغانستان برای نخستین بار در دولت اسلامی بود که دکتر علوم سیاسی به حیث وزیر خارجه (دکتر نجیب الله لفرایی) معرفی گردید و اکثر وزرا نیز حد اقل دارای مدرک لیسانس بودند و چند انجنیر و دکتر و پوهاند در کابینهٔ دولت اسلامی به حیث وزیر خدمت می نمودند.

شهید غفورزی که یک شخص متخصص و دارای تجارب فراوان در ساحهٔ دیپلوماسی بود، ابتدا به حیث معاون نمایندگی دایمی افغانستان در سازمان ملل و بعد معین وزیر امور خارجه و در نهایت به حیث صدر اعظم تعیین گردید و مصدر خدماتی قابل قدر و فراموش ناشدنی به کشور و هم وطنان شد.

یاد و خاطرهٔ همهٔ این عزیزان، گرامی باد و خداوند متعال آمرزش و بهشت برین نصیب شان کناد.

# ناتو و جانبداری از تفاهم با طالبان



وحید مژده

سروصدای مذاکره و تفاهم با طالبان در افغانستان تازگی ندارد. رئیس جمهور کرزی چند سال قبل در سخنانی در تالار ستره محکمه، از بعضی از رهبران طالبان به نیکویی یاد کرد و میان طالبان خوب و بد خط فاصل کشید. در آن زمان طالبان تازه در صدد بیرون آمدن از شوک ناشی از سقوط امارت بودند و هنوز به عنوان یک قوت در خور اعتنا، نیروهای بین المللی مستقر در افغانستان را به چالش نکشیده بودند.

کرزی در آن محفل و نیز گاه و بیگاه در مناسبت های دیگر از لزوم تفاهم با طالبان سخن گفت والبته جمعی از رهبران طالبان را شامل فهرست سیاهی دانست که باید دستگیر شوند و در مورد عملکرد های خود جواب بدهند.

هرقدر طالبان در جهت بازیافتن هم دیگر پیشرفت می کردند، حملات آنان در مقابل نیروهای ائتلاف منظم تر می شد و از همان زمان که نیروهای خارجی با اقدامات ناعاقبت اندیشانه، میان دولت و مردم فاصله ایجاد می کردند، مشخص بود که طالبان با گذشت زمان در جنوب و جنوب غرب بستر مناسبی برای رشد می یابند و سرانجام کار به جایی رسید که نیروهای خارجی از روی ناچاری تصمیم به سپردن بعضی از مناطق جنوب به طالبان کردند. این اقدام به مخالفت دولت افغانستان مواجه شد.

دولت در تلاش تفاهم با طالبان به ساختن یک کمیسیون مستقل برای تفاهم با ناراضیان پرداخت که جناب صبغت الله مجددی در رأس این کمیسیون قرار گرفت. افرادی از حزب اسلامی به رهبری حکمتیار هم شامل این پروسه شدند. کمیسیون توانست جمعی از کسانی را که روزگاری در صف حزب اسلامی یا طالبان قرار داشتند، به آشتی فرا خواند. در میان این به آشتی پیوسته ها کسانی را هم می توان یافت که در زمان حاکمیت طالبان دارای مقام های نسبتا بلندی بودند و نام شان در فهرست سیاه قرار داشت.

اما گذشت زمان نشان داد که پیوستن این افراد به پروسهء صلح وآشتی، هیچ تأثیری به روند روبه رشد خشونت ها ندارد. نفوذ معنوی ملا محمد عمر بر پیروانش قوی تر از آن بود که حتی با پیوستن بیش از چهار هزار ناراضی به کمیسیون آشتی ملی، درنگی در خشونت های جنوب به ملاحظه برسد.

طالبان در این دور از حیات سیاسی شان به القاعده به حدی نزدیک شدند که

**در جرگهء امن منطقه یی روی راه های مختلف رسیدن به صلح در افغانستان صحبت شد اما این جرگه نتوانست یک طرح روشن را برای تفاهم با نیروهای مخالف و عمدتا طالبان ارائه دهد. در جقیقت این جرگه هم در این خصوص به دولت کرزی اقتدا کرد که هیچگاه یک طرح روشن برای مذاکره با مخالفان نداشته است**

اکنون به عنوان شاخهء افغانی القاعده شناخته می شوند. ملاداداالله با زرقاوی در عراق مقایسه می شد و امروز طالبانی که پیوند با القاعده را نپذیرند، امکانی برای ماندن در کنار جنگجویان طالب ندارند.

جنگ بدترین حالت در کشمکش میان جوامع بشری است و قبل از این که

**دولت می گوید که به کسانی که آشتی ملی می پیوندند باید قانون اساسی افغانستان را به رسمیت بشناسند. اگر طالبان این قانون اساسی را محترم می دانستند، پس جنگ به خاطر چیست؟ آنها می گویند که این قانون اساسی مخالف اسلام است زیرا برای مرتد حق زندگی قایل است**

جنگ به وقوع بپیوندد، باید جلوی بروز آن را با وسایل دست داشته سد کرد. وقتی جنگ به خونریزی بینجامد، دیگر دشوار است به کسانی که کشته داده اند از صلح و تفاهم سخن گفت، به خصوصً در جوامع مبتنی بر مناسبات قبیله یی، اگر کسی انتقام خون اقارب کشته شدهء خود را نگیرد، در غیرتش شک می کنند چه رسد به کسی که با وجود دادن کشته، به صف دشمن بپیوندد. مشکل بزرگ کمونیست ها در افغانستان نیز همین بود که درابتدا راه رسیدن به هدف را در کشتن غیر خودی ها یافتند و زمانی که به اشتباه خود پی بردند و خواستند به جبران مافات بپردازند، نتوانستند کسانی را بیابند که به خواست آنان برای پیوستن به پروسهء صلح و تفاهم بین الافغانی لبیک گویند.

هرچند نیروهای خارجی مستقر در افغانستان از چنین مقایسه ها خوش شان نمی آید اما حقیقت این است که عملکرد های خود سرانهء آنان امروز دولت آقای کرزی را به عین مشکل دولت های دوران کمونیست ها مواجه کرده است.

در جرگهء امن منطقه یی روی راه های مختلف رسیدن به صلح در افغانستان صحبت شد اما این جرگه نتوانست یک طرح روشن را برای تفاهم با نیروهای مخالف و عمدتا طالبان ارائه دهد. در حقیقت این جرگه هم در این خصوص به دولت کرزی اقتدا کرد که هیچگاه یک طرح روشن برای مذاکره با مخالفان نداشته است.

سالهاست که دولت این موقف را تکرار می کند که آغوش ما بروی طالبان باز است اما طالبانی که از عملکرد های گذشته نادم باشند و دست شان به خون ملت سرخ نباشد. این موقف دولت، بی اختیار این شعر مولوی را در ذهن تداعی می کند که:

**شیر بی یال و دم و اشکم که دید**
**این چنین شیری خدا کی آفرید!**

دولت هنوز نمی داند یا تجاهل می کند که مشکل اصلی را طالبانی آفریده اند که می جنگند و می کشند و سرمی برند.

دولت می گوید که به کسانی که آشتی ملی می پیوندند باید قانون اساسی افغانستان را به رسمیت بشناسند. اگر طالبان این قانون اساسی را محترم می دانستند، پس جنگ به خاطر چیست؟ آنها می گویند که این قانون اساسی مخالف اسلام است زیرا برای مرتد حق زندگی قایل است.

بخشی از جنگ علیه تروریسم در سطح بین المللی در افغانستان در جریان است اما این جنگ خصلت خاص خود را دارد که در گذشته در تاریخ کمتر سراغی از این نوع جنگ می توان یافت. در این جنگ یک طرف درگیر از حضور در صحنهء مذاکره به کلی محروم است. امریکایی ها دشمنان شان را چنان مملو از صفات زشت و قبیح می دانند که جز با زبان تفنگ بازبان دیگری نباید با آنها سخن گفت. جایزه های بزرگ برای دستگیری یا کشتن آنان، خود امید هرنوع تفاهم را از میان برده است.

دولت افغانستان نیز زیر فشار است تا کسانی را که به زعم عده یی مجرمان جنگی به شمار می آیند، به محاکمه بکشد. این درحالی است که این افراد در جنگ علیه تروریسم در طول شش سال گذشته با نیرو های بین المللی همکاری کرده اند. طالبان نیز هرقدر کند ذهن باشند لااقل این مقایسه را دارند که وقتی امریکا و غرب سخن از محاکمهء کسانی می زنند که در مبارزه علیه تروریسم سهم گرفتند، با طالبی که تروریست و هم پیمان القاعده به شمار می آید، چه رویه یی خواهد داشت. آیا این بن بست به همین سادگی قابل شکسته شدن است که بتوان به مذاکره و تفاهم امیدوار بود؟

# پیمان شانگهای به کجا می رود؟

عبدالمعین شاهد



با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در واپسین دههٔ قرن بیستم، یکی از دو قطب قدرت جهانی از میان رفت و امریکا و پیمان اتلانتیک شمالی ناتو به عنوان طرف پیروزمند جنگ سرد پا بر جا ماند. با توجه به ظرفیت های فوق العادهٔ اقتصادی و تکنولوژی و اقتصادی که امریکا داشت، همهٔ کشورها با اکراه و دل ناخواسته به سیادت امریکا گردن نهادند، اما به زودی روشن شد که نظم نوین جهانی که امریکا از آن حرف می زد نتوانست در جهت بحران زدایی و جلب رضایت قدرت های منطقه یی موفقیتی به دست آورد..

حملهٔ جورج بوش بر عراق و راه کارهای امریکا در مرحلهٔ بعد از طالبان در افغانستان، اشتباهات وضعف های راهبردهای رهبری جهانی امریکا را به نمایش گذاشت.

در نتیجه شماری از قدرت ها و اتحادیه های منطقه یی جهت مخالفت با فرمان روایی جهانی امریکا قد راست نمودند.

روسیه که از میان ویرانه های اتحاد شوروی سر بر آورد و با مهار بحران ها و دشواری های اقتصادی وسیاسی خود، آهسته آهسته دوران نقاهت را پشت سرگذاشت، به شکل بارزتری مخالفت خود را با رهبری یکه تازانهٔ امریکا ابراز نمود، پوتین اخیراً در اعتراض باجا به جایی سامانهٔ دفاع موشکی امریکا در اروپای شرقی اروپا را تهدید نمود و اعلان کردکه روسیه روی موشک های خود را به سوی اروپا خواهد گرداند. چین با رشد دو رقمی اقتصادی و قدرت قابل ملاحظهٔ بشری و نظامی به یکی از قدرت های در حال ظهور در برابر سیادت امریکا تبدیل می شود.

چنین تمایلاتی درمیان برخی کشورهای اروپایی و حتی کشورهای نسبتاً ضعیف تری مانند ایران و وینزویلا و کرهٔ شمالی نیز قابل ملاحظه است.

پیمان همکاری های شانگهای که روسیه و چین اعضای عمدهٔ آن را تشکیل می دهند فکر می شود در آینده می تواند سلطهٔ جهانی امریکا را به چالش بکشد. شانگهای که در نخستین نشست سران آن در ۱۵ جون ۲۰۰۱ و با پیوستن جمهوری ازبیکستان تشکیل یافت،کشورهای روسیه و چین و قزاقستان و قیرغیزستان و تاجیکستان و ازبیکستان در آن عضویت دارند، کشورهای ایران و ترکمنستان و مغولستان اعضای ناظر سازمان شانگهای را تشکیل می دهند و افغانستان عضو گروه تماس در این سازمان است . در حقیقت، اساس این سازمان در ۱۹۹۶ به نام شانگهای پنج و با عضویت پنج کشور پایه گذاری شده بود. مهار جنبش های جدایی طلبی، مبارزه با افراط گرایی مذهبی و کنترل تجارت مواد مخدر از هدف های اعلان شدهٔ این سازمان می باشد اما پرکردن خلای اتحاد شوروی و مقابله با گسترش نفوذ امریکا در آسیای میانه نیز از جملهٔ هدف های اصلی این سازمان دانسته می شود.

عواملی که ممکن است پیمان شانگهای را به عنوان رقیب امریکا و یا ناتو قرار دهد، مسایل گوناگونی را در بر می گیرد:

شانگهای برخلاف سازمان های دیگر منطقه یی مانندسارک و ایکو، طبیعت نظامی، امنیتی و سیاسی بودن آن در پهلوی برنامه های اقتصادی برجسته می باشد. پیمان شانگهای با اعضای کنونی آن حدود سی میلیون کیلومتر مربع را احتوا می نماید و ۱۴۵۰ میلیون جمعیت یعنی، ربع جمعیت جهان را تشکیل می دهد. روسیه و

**تجارب سیاسی نشان می دهد که یک حادثهٔ غیرمترقبه مانند ۱۱ سپتامبر و حمله بر عراق می تواند مسیرحوادث جهان را تغییر دهد و روند موازنهٔ جدید قدرت جهانی را تسریع نماید**

آسیای میانه ظرفیت بزرگ تولید انرژی را دارا می باشد که می تواند در مبادلات سیاسی اثرگذاری نمایان داشته باشد.

روسیه که دومین زراد خانه هسته یی و سلاح های متعارف را در اختیار دارد، تلاش می کند تا به نحوی در قلمرو اتحاد شوروی پای خود را مستحکم سازد، مخصوصاً علاقه مند است، در آسیای میانه و مرزهای خود بااروپای شرقی، نفوذ امریکا و ناتو را به حد اقل کاهش دهد. سیاست روسیه جهت تحکیم نفوذ در آسیای میانه انگیزه های سیاسی و امنیتی و اقتصادی دارد. در دست داشتن انرژی آسیای میانه، جلوگیری از جنبش های جدایی طلبانهٔ اقلیت های نژادی و مذهبی در فدراتیف روسیه، جلوگیری از پیشروی ناتو به سوی شرق، این کشور را وادار به مخالفت با امریکا می نماید.

روسیه علاقه مند است شانگهای به عنوان یک پیمان نظامی سیاسی منطقه یی در برابر امریکاتبدیل شود، تقاضای تعیین ضرب الاجل جهت خروج نیروهای امریکایی ازپایگاه های جمهوری های قرغیزستان وازبیکستان که در پنجمین نشست سران در تاشکند صورت گرفت باپیشنهاد روسیه صورت یافت . روسیه اخیراً در قضیهٔ افغانستان ابراز دلچسپی نموده برگزاری یک کنفرانس بین المللی را جهت کمک به ایجاد ثبات در افغانستان پیشنهاد نموده است.

رژیم های توتالیتر حاکم بر آسیای میانه، مخصوصاً ازبیکستان به طور فزاینده با سیاست روسیه همسو می شوند، به دنبال سرکوب اعتراضات مردمی در ازبیکستان، کشورهای امریکا و انگلیس انتقادات آشکاری علیه حکومت اسلام کریموف عنوان نمودند، تاشکند کشورهای غربی را متهم کرد که علیه رژیم وی توطیه می کنند، این کشور از امریکا خواست تا یک پایگاه هوایی واقع در جنوب ازبیکستان که در سال ۲۰۰۱ به منظور مبارزه با رژیم طالبان وسازمان القاعده اجاره شده بود ترک نماید.

کشور چین که در نقاط چندی مخصوصاً تایوان، با مزاحمت جدی امریکارو به رو می باشد، علاقه مند است در آسیای میانه نفوذ امریکا تحت فشار قرار گیرد.

اما شاید هنوز هم خیلی زود باشد که تصور کنیم پیمان شانگهای می تواند درکوتاه مدت چالش جدی در برابر تسلط و نفوذ امریکا در منطقه به میان اورد. پیمان شانگهای با چالش ها و محدودیت هایی عمده رو به رو است، برخی از اعضای این پیمان مخصوصاً چین و قزاقستان موافق نیستند که این پیمان به عنوان یک بلاک نظامی و سیاسی در برابر امریکا و ناتو قرار گیرد. چین روابط گستردهٔ اقتصادی و تجارتی با امریکا و اروپا دارد، کسری تجاری ۱۰۰ میلیون دلاری امریکا در برابر چین، منافعی نیست که چین بتواند از آن چشم پوشی نماید، سرمایه وتکنولوژی امریکا موتور اقتصاد چین حساب می شود. برخی کشورهای آسیای میانه مخصوصاً قزاقستان نیز علاقه مند توسعهٔ رابطه با امریکا و کشورهای اروپایی می باشند.

روسیه و چین میان یکدیگر درگیر رقابت پنهان بر سر نفوذ بر آسیای میانه مخصوصاً در عرصهٔ انرژی می باشند. چین یک خط لولهٔ انتقال نفت قزاقستان به چین را احداث نموده، در نظر دارد روی احداث خط لولهٔ دیگر نیز سرمایه گذاری نماید .این کشورساخت خط لوله انتقال نفت و گاز ترکمنستان به چین را تحت بررسی دارد و در سفر اخیر رئیس جمهور ترکمنستان به چین توسط رهبران دو کشور مورد بحث قرار گرفت. این فعالیت های چین در جهت مخالف استراتیژی روسیه قرار دارد که نمی خواهد نفت و گاز آسیای میانه جز از طریق خاک روسیه صادر شود. اختلافات سرحدی میان چین و روسیه همیشه به عنوان مانع عمده در برابر توسعه روابط دو کشور قرار داشته است. چین نمی خواهد با موضع گیری تندروانه در برابر امریکا رقیب منطقهٔ خود یعنی هند را بیشتر به امریکا نزدیک نماید. روسیه نیز می تواند با گرفتن امتیازاتی از امریکا و اروپا تغییر موضع دهد و وارد گفتگو شود.

اما تجارب سیاسی نشان می دهد که یک حادثهٔ غیرمترقبه مانند ۱۱ سپتامبر و حملهٔ بر عراق می تواند مسیرحوادث جهان را تغییر دهد و روند موازنهٔ جدید قدرت جهانی را تسریع نماید.

## په لوټه پښه مه ږدئ، سمه چاره وکړئ

عباسي

په دې وروستیو کې د هرات د عالمانو شورا یو پریکړه لیك خپور کړی؛ چې په ترڅ کې یې راغلي:

"اسلامي شریعت دې پلی شي، له نیشه یي توکیو او اداري فساد سره دې په ټینګه مبارزه وشي، او ښاڅکي راکړې ورکړې دې د اسلامي شریعت له مخې ترسره شي"

دا پریکړه لیك ښیي چې د کمزوري حکومت له امله، په هېواد کې هر اړخیز فساد . تر دې حده دی، چې د هرات عالمان یې دغسې یوې پریکړې ته اړ کړل.

څه موده مخکې د بلخ د عالمانو د شورا مشر مولوی محمداسلم جومات ته پرلاره شهید شو دا هغه عالم و، چې [illegible] یې ملي یووالي او د باثباته نظام جوړولو ته رابله او په ودونو کې د ساز او آواز مخالف و؛ خو د ناداړمنۍ امنیتي وضعې له امله شهید کېږي. په غزني کې آلماني انجینران او افغاني ملګري یې وژل کېږي، دغسې د کابل، کندهار په لاره کې کوریایي وګړي تیول کېږي

د اداري فساد له اړخه، په اطرافو کې چارواکي دومره له اولس سره کچه او سپك چلن کوي، چې خلك اړ شوي د طالبانو محکموته مراجعه وکړي او هم د حکومت مسؤولین ترې د یوې عادي قضیې په مقابل کې د برې پیسې اخلي.

د میدان وردګو ولایت د بهسودو په سیمه کې د خاپي اوسیدونکیو او کوچیانو ترمنځ ستونزه په روڼ ډول اواره نه شوه په جوزجان کې پر مظاهره چیانو ډزې وشوې او هېوادوال شهیدان شول، خو لاتر اوسه مسئله سپینه نه شوه: چې قاتلینوته سزا ورکړې، د غسې د بهرنیو چارو د وزیر په سر دولسي جرګې او حکومت ترمنځ شخړه پرځای ده.

پردې تولوسر بېره په ټاکنوکې د اداري سمونو او دوړتیا او کارپوهې په نومونو داسې کسان درګرده مقررېږي، چې تخصصي وړتیا نه لري. د کورنیو چارو په وزارت او په ستره محکمه کې داسې بدلون نه دی راغلی، چې د هېوادوالو تمه پیدا شي؛ چې چارې مخ پرښه کېدودي.

نو د همدې حالاتو په پام کې نیوو سره داسې خبرونه خپرېږي؛ چې په کابینه کې بدلون راځي، ځینې وزیران لرې او ځینې استعفی ته اړ کېږي

خو دا بدلونونه . د اولس درد نه شي دوا کولای؛ ځکه زیاتره خلك په دې باوردي، چې چارواکیو ته اوس او نه مخکې. هېڅوك د فساد، رشوت اخیستو، نا امنۍ او خیانت په جرم مجازات کړي نه دي او نه د هېواد جزایي قوانین عملي کېږي؛ نو دا چې قوانین نه عملي کېږي او هم چارواکیو پخپله هم تر دې حده د قانون د عملي کولو پلمه نه وي؛ نو اولس څنګه تمه ولري؛ چې حالات به یې مخ پرښه کېدو شي؟ نو ځکه مشوره مو داده؛ چې چارواکي دې په خپلو داخلي سیاستونو کې کتنه وکړي او په هېواد کې دې ټول مطرح سیاسي ځواکونه، کارپوهان او ملي شخصیتونه په خپله اداره کې راونغاړي او په تېره بیا د عالمانو مشورې او لارښوونې دې ومنې او چاروکې دې د علماوو پریکړې سرسري نه ګڼي لکه چې تر اوسه یې ګڼلي دي؛ نو ځکه که دا وړاندیزونه عملي شي؛ نو له داخلي کړکیچونو او له بهرنیو ننګونو سره به مبارزه وکړای شي او دا توپاني بېړۍ به ګډه د ژغورنې ساحل ته پورې ایستل شي.

د سیمې سیاسي پېښې پر هېوادونو اغېز لري او له مثبتو یې باید عبرت واخیستل شي؛ نو دا چې څو ورځې وړاندې د ترکیې د "عدالت او پراختیا" ګوند د دې له امله په ټاکنو کې بریالی شو، چې د خپلې واکمنۍ په موده کې یې په اخلاص د خلکو په اقتصادي چوپړ کې و، او د هغه ځای اولس هم خپل خدمتګاران وناازول؛ نو ځکه هیله ده، چې زمونږ چارواکي هم په همدې پله پل کېږدي او ولس یې ونازوي نه دا چې د اوس غوندې ورځې شمارې چې کله به دا پېټی زمونږ له اوږو کوزشي.

# شعر مقاومت در دو دهه جهاد

بخش سوم

دکتر شمس الحق آریانفر

۳- در داخل کشور نسلی از شاعران داشته ایم که آفریده های شان به خصوص بعد از ۷ ثور در ستایش بیگانه و تبلیغ نوکری و برده سازی ملت بوده است. چون سلیمان لایق، باری شفیعی، دستگیر پنجشیری، عبدالله نائبی، کاوون توفانی، باقی بریال، اسد الله حبیب وغیره آفریده های این شاعران بیشتر از همه اختصاص داشته است. به:

ستایش انقلاب اکتبر، ارتش سرخ، مدح مسکو، حزب قهرمان خلق، کارگر و...

**مرده باد این پاسداران کهن**
**مرده باد این ارتجاع حیله گر**
**مرده باد این تشنگان خون ما**
**مرده باد این صاحبان زور و زر**

***

**ما سپاه انقلاب**
**راهیان بیشه های آتشیم**
**عاشقان صبح سرخ دلکشیم**
**وارثان سرفراز آرشیم**
**راه ما ز کوچه های جنگ هاست**
**از میان نعرهٔ تفنگ هاست**

***

**تو حزب ما، تو حزب قهرمان ما**
**امید ما امید بی کران ما**
**وجود ما، سرور ما، روان ما**
**تو آرزوی سرخ رفتگان ما**
**درود آتشین به راهیان انقلاب**
**درود بر شما سپاهیان انقلاب**

***

نسلی از چنین شاعران که اندیشهٔ وارداتی و بیگانه و حاکمیت تسلط غیر را بر خویش می ستایند و به آن می نازند در محیط هجرت وجود نداشته است.

۴- پرداخت های شاعرانه و آفرینش های ناب شعری در هر دو محیط به وفرت دیده می شود که چگونگی یافت و ارزیابی ویژگی های آن کار جداگانه یی است ولی این نکته را می شود گفت که این آفریده های ناب در محیط با تناسب فراوانی شاعران، از لحاظ کمی بیشتر از داخل بوده است.

در داخل افغانستان جدا از آن گروه مدیحه سرا و مبلغ بردگی، شاعران دیگر، سروده های بایسته یی داشته اند. آفریده های انباشته از ایماژ های ستوده و مفاهیم عالی، ولی از آنجایی که محیط داخل نظارت مستقیم نظام کمونیستی را بر خویش داشته است، شاعران ناگزیر به سرایش های پرابهام روی آورده اند و در مواردی با خویش و با درون خویش نجوا داشته اند. با این همه آفریده هایی داریم که درد و آلام زمان و ملت را در لابلای تصویر ها به نمایش گرفته است و بدین گونه با در نظر داشت همهٔ محدودیت ها شاعر دین خویش را ادا نموده است:

**چه گنهکارم من**
**آه ... اگر**
**نطفه های گل فریادی را**
**فصل گرمای سکوتم**
**به گلو خشک کند.**

و یا این سروده از عبدالسمیع حامد که در شهر مزار شریف زیست داشت و همهٔ درد مردم را بیرون ریخته است:

**سبز تر سرود**
**باز شب می وزد از بیشهٔ دریا اینک**
**مرگ افراخته پر بر سر صحرا اینک**
**در گلوی غم امروز به تنگ آمده است**
**نفس شب زدهٔ سینهٔ فردا اینک**
**چمنی ریخته بر گسترهٔ سوگ اینک**
**جنگلی سوخته در دور تماشا اینک**
**در غبار نفس سرد غروب آواره**
**می رود قافله یی ا زنظر ما اینک**
**باز دجال خزان جلوه کنان می آید**
**رنگ در رنگ بر آورد فریبا اینک**
**تا زبربادی گلشن نفسی تازه کند**
**آتش افروخته در حجلهٔ گل ها اینک**
**سرو من، سبز تر از پیش سرودی سر کن**
**روح پاییز بر آشفته غم آوا اینک**

در راستای بیان دردهای ملت، عبدالقهار عاصی جایگاه ویژه یی دارد. تقریباً همهٔ سرودهای او اختصاص به همین امر و همین درد دارد بخشی از سرودهٔ سال خون سال جدایی را می خوانیم:

**هم در این سال ا زگلوی کودکان شمشیر بر کردند**
**خواهران فریاد سر کردند**
**هم در این سال نجس**
**باغ از لبخند و از تسبیح خالی گشت**
**رود از نغمه سرایی**
**سال خون، سال جدایی**

پرتو نادری بیداد وارد بر ملت را چنین به تبیین آورده است:

**در شهر دود و آتش و باروت**
**دروازه های باغ تبسم را**
**آن گونه بسته اند**
**کین جا تمام روز**
**یک نسل سوخته**
**بیگانه با تبسم و لبخند**
**نابود می شوند**

در سروده های محیط هجرت نیز تصویرها و یافت های بایسته یی حضور دارد که کلیت شعر یک آفریده را به نمایش گرفته است:

**جوانه در چمن ما، دم شکفتن سوخت**
**زبان غنچه به هنگام شکوه گفتن سوخت**
**خزان سواره به پهنای باغ می تازد**
**مشام باغ از این نا سزا شنفتن سوخت**
**شکنج بغض فشارد گلوی احساسم**
**به شوره زار لبم، لحظه لحظه گفتن سوخت**

و یا این ابیات پرصلابت از عبدالأحد تارشی:

**نسیم فتح به گلزار خون وزید بیا**
**به پیشواز تو صد دسته لاله چید بیا**
**گذشت قافلهٔ خون ز دشت ظلمت شب**
**به مرز کشور خورشید صف کشید بیا**
**حنای پای خسان شد نمای تاج سرت**
**نگر به خون دل این همه شهید بیا**

یا این استغنا و بیان ناب در سروده یی از کاظم کاظمی:

**غروب در نفس گرم جاده خواهم رفت**
**پیاده آمده بودم، پیاده خواهم رفت**
**طلسم غربتم امشب شکسته خواهد شد**
**و سفره ام که تهی بود بسته خواهد شد**

۵- شعر هجرت بر مدار و محور مشخص حرکت داشته است: اسلام، جهاد و آزادی و همه آفریده های شعری در راستای این اصول به هستی آمده است؛ در این سروده هاست که جوان افغان و مجاهد مخاطب است:

**من کجا و آن که خوبی جامهٔ سنگین اوست**
**با خط زر ثبت در تاریخ آن و این اوست**
**نعره اش آفاق گیر و آه او گردون گذر**
**اشک او اندر سحر گه زهره و پروین اوست**
**با همه ژولیدگی در پای محراب دعا**
**بوسه گاه صد اجابت در گه آمین اوست**
**با کلوخی گر زند دشمن به سنگش می زند**
**این یکی از امتیازات غرور آگین اوست**
**مشت مرگی گر خورد از مشت خاکش نگذرد**
**حب خاک و کشور از آورده های دین اوست**

و اما در شعر داخل کشور مدار حرکت شاعر گونه گون است که گاه گاه در ورطه های عاطفه و خیال کاملاً در خلأ سیلان می کند و بی مدار می گردد. گاه از دل می گوید، گاه از یار و گاه از وضع زمانه و زمانی از یک احساس مبهم و نایافتنی و به هر حال رگه هایی از نارضایتی در اکثر از سروده ها پیداست.

۶- تعهد و التزام یکی از اصول خدشه ناپذیر هنر است. با آن که طرفداران هنر برای هنر فراوان تلاش ها در جهت تحقق آن ابتذال نموده اند، با آن هم برکرسی قرار نگرفته است. چه هر کاری، بیانی و هنری که در آن هدف و آرمانی نهفته و منظور نباشد، عبث است.

در شعر و ادب حتی طرفداران هنر ناب نیز به گونه یی از تعهد و التزام باورمند هستند. تعهد در برابر فضیلت، انسانیت، عدالت، داد خواهی و...

شعر محیط هجرت ما انباشته است از تعهد و التزام در برابر اسلام، میهن، آزادی و جهاد، در حالی که شعر داخل کشور با دو روند مشخص می گردد:

تعهد در برابر غیر و بیگانه پرستی که شاعران وابسته به نظام کمونیستی مبلغ آن بوده اند و دیگر تعهد در جهت استقلال و دردهای ملت که با وجود رعب و وحشت کمونیزم در جهت اصالت هنر و ادب و میهن و اسلام و آزادی در شعر برخی از شاعران مایه بسته است:

بخشی از سرودهٔ "و آفتاب نمی میرد" از واصف باختری:

**و سایه سایه اند و هناک سرگردان**
**شنید پاسخ آوای خویشتن از باد**
**به بی گناهی گل های سرخ دشت تان**
**و خواب سبز گیاهان گریستن تا کی**
**به باغ قرن گذاری کن**
**که چتر آبی کاج و نگین نیلی برگ**
**و دست کوچک هر سبزه**
**ترا به جنگل امید می خوانند**
**شهاب زود گذر اگر شد ستارهٔ تو**
**ستارهٔ دیگری آفتاب خواهد شد**
**و آفتاب نمی میرد.**
**برو بپرس ز مرغان بیشه های کبود**
**ز تیر خورده پیام آواران توفان ها**
**ز آشیانه به دوشان دشت های غرور**
**که راه جنگل سبز امید می دانند**
**برو بپرس مگر راه دیگری هم است**
**برو بپرس در این راه رهسپاری است**
**و سایه گفت به همزاد خویش آیاست**

و یا این سروده از لطیف ناظمی که به گونهٔ روشن شوروی و ادعاهای او را به تمسخر و نفرین گرفته است:

**تن عریان و زخماگین شیر خسته ما را**
**تمام روز برف سرخ می پوشید**
**و شب با سرمهٔ باروت چشمش را بسته می کرد**
**صدای چکمه پوشان کمر چرمین سنگین دل**
**شرنگ خشم بر جام سکوت خانه یی شهر می افشاند**
**که از شهر میکایل می آیم**
**و از خورشید می گویم**
**کسی اما نمی یارست گفتن شرم تان باد!**
**که از خورشید می گویید و خود خورشید را بر چوبهٔ اندام شب مصلوب می سازید دیگر ارژم تان بادا از این ترفند.**

و یا این بیان از عبدالقهار عاصی:

**بیا که خنده کنیم.**
**به هرزه تازی هفتاد سال (اکتبر)**
**به حال زار پرولتاریای "کشته شده فریب داده شده ..."**

و یا سرودهٔ (کنار خندق نفرین) از پرتو نادری که در بخشی از آن می خوانیم:

**آیا نسرود**
**کهن افسانه دیرینهٔ ننگ آلود**
**خدای نا خدای پیر پیران سال**
**نمی دانی تو آیا هیچ**
**من این جا ا زدهان بویناک خندق نفرین**
**شنیدم قصهٔ معراج بال کرگسانی را**
**که از عمق لجنزاران فرسوده**
**چنان نا هوده شاخ خشک روییده**
**نمی دانم برای من بگو نسرود**
**که مرگ دختر فانوس**
**کلام آخرینت را کجا می برد**
**ترا در استقامتگاه پوچی خیمه می افراشت**
**ویا در کوچه های بیسو آنجا رها می کرد.**

ادامه دارد

## سپاهی گمنام

محمد افسر رهبین

الا سپاهی گمنام!
الا مسافر گردابهای یاقوتی
برا قیامت کن!
برا که غول سیاهی در آستانهء شب
به انتحار نمرد
برا که در جگر رودبار ایمانت
سراب جاری شد
الا سپاهی گمنام!
غریبه مرد گریبان دریدهء دلتنگ
الا سپهبد ننگ
برا که قافله ها بر رخ هم افتادند
برا که سرهنگان
چه ناجوانانه
نشسته سینهء چاک سپاهی خود را
نشانه می بخشند
برآ قیامت کن!
که خون یارانت
به چاهسار عفونت چه سان سرازیر است
بر آ که بر سر پیمان نمانده است کسی
همه طبیره زنان
به طبل های دو روی دروغ می کوبند
بر آ که فاخته ها
زشاخه های بلند
فرود آمده روی زباله می نالند
کلاغ ها همه سر گرم رجز خواندن اند
وبلبلان هجا، گرد سرمه خورده اند
کجا پناه بریم
در این قبیله که گوشی برای اذان نیست
وهرکه "فاتحه" از بر نمود
پی امامت رفت
که؟ باید آمین گفت.
الا سپاهی گمنام!
بر آ قیامت کن
که مفتیان ز حضور خدا در انکار اند
وتاج میزان ها
زجا گریزان اند
به شامنای غریبان کسی نمی بیند
یزیدیان به تبار حسین می خندند
در این خرابه به هر سو که راه باز کنی
در دو راه می مانی
چراغ عاطفه در چاه وحشت افتاده است
زمین خزانه آتش، هوا پر از تف خون
زتاکها چه شرر در پیاله خواهد ریخت.
الا سپاهی گمنام!
برآ برآ ورنه
کدام مرد-
کدام تخم شجاعت به زیر خاک کند؟
کدام دست بلند
پیام شبسفران را-
به آفتاب برد؟

# دهیواد دتلپاتي سیاسي څیرو په یاد

سلیمانخیل

**باید ووایو چې د ۱۳۷۶ کال د اسد د ۳۰ مې پېښې په باب څېړنه او څېړنه نه ده شوي هیله ده چې ددي پېښي تیاره اړخونه رڼا شي او هېوادوال تري خبر شي**

په ۱۳۷۶ هجري شمسي کال د اسد پر ۳۰ مه دبامیانو په هوایي ډګر کي یوه زړه بګنوونکي پیښه وشوه؛ چې ټول هیوادوال پري له زړه نه خپه شول، په دي پیښه کې دهغه زماني دشرایطو په پام کې نیووسره ډیر نکره او ځیرك سیاست پوهان شهیدان شول. جمعیت اسلامي دهغو شهیدانو دیاد نمانځنه او روح ته یي دعاکوي. دا شهیدان چې دهیواد دسیاسي مبارزي په تاریخ کې به تلپاتي ځلیري دادي: عبدالرحیم غفورزي، عبدالعزیز مراد، عبدالعلي دانشیار، انجنیر هاشمي، سید محمد سجادي، عبدالکریم زرغ، محمد رحیم رفعت، وکیل عبدالحسین مقصودي، مهدي پګراموان. فیض الله او یو بل تن.

له دي پیښي څخه دوه ورونه حاجي عبدالقهار (دبهرنیو چارو دوزیر د دفتر رئیس) او توریالي فورمولي ژوندي پاتي دي چې خداي دي عمر نور هم ډیر کړي. په ۱۳۷۶ کال طالبانو دهیواد پر ډیرو سیمو ولکه ټینګه کړي وه، دطالبانو په مخالفه جبهه کې یو ډیر شمیر ناهیلي شوي وو، ځینو دمهاجرت لاره خپله کړي وه، خو یو شمیر په ټینګ هوډ مقاومت ته دوام ورکړ، چې له دوي څخه پورته ورونه وو چې نومونه یي واخستل شول

د ۱۳۷۶ کال د اسد له شلمي نه تر دوه ویشتمي پوري د پنجشیر دمرز په کلي اود مارشال فهیم په کور کې دمقاومت دمشرانو غونډه جوړه شوه چې په پایله کې یي شهید غفورزي دصدر اعظم په توګه وټاکل شو چې دا ټاکنه دصدارت پر چوکي دجهادي احزابو د انحصار دماتي پر مفهوم وه. مرحوم غفورزي دجهادي احزابو له لیکي وتلي ملي شخصیت و چې دمقاومت سیاسي اړخ یي پیاوړي کړ او په ملګرو ملتونو کې دافغانستان کرسي مقاومت ته وسپارل شوه او په کابینه کې یي دټولو اقوامو او اړخو وزیران په پام کې نولي وو او پر دي سربیره دوه تنه ښځي هم په کابینه کې شاملي وي. غفورزي له قومي پلوه هم له پیاوړي کورني څخه و، په شخصي توګه هم خورا ځیرك او دتحصیل له پلوه هم پرمسایلو برلاسي؛ نو ځکه همدغه ځانګړني وي چې مقاومت د سیاسي او اداري تشکیلاتو له پلوه خوراغښتلي او بدایه شو. دښمن هم په ثار کې و، او له داسي شیطاني چل و له یي کارواخیست. چې دمقاومت دهیلو راټوکیدلي غوټي یي ورژولي؛ خو خداي دهغو ملاتړي دي چې په لاره کې یي هلي ځلي کوي.

باید ووایو چې د ۱۳۷۶ کال د اسد د ۳۰ مي پیښي په باب څیرنه او څیړنه نه ده شوي هیله ده چې ددي پیښي تیاره اړخونه رڼاشي او هیواد وال تري خبر شي.

ددي پیښي یو تن شهید عبدالعزیز مراد و، چې له اخلاقي پلوه بیلګه وه، فقیرانه ژوند یي درلود او له بي اولادي رنځیده، سره له دي چې دي له ۱۳۵۴ راهیسي په سیاسي مبارزه کې ورګډو؛ خو له مالي پلوه پري داسي تکه نشته چې ورته ګوته ونیول شي. تل یي دمجاهدینو دلیکو دیوموټي کیدو له پاره هلي ځلي کولي.

شهید دانشیار ددي پیښي یوه بله ځلانده څیره ده، چې باید ووایم په افغانستان کې دده غوندي بل څوك نه و، داسي یوه لهجه او کرکتر یي درلود، چې په سیاسي مبارزه او دخپلمنځي اختلافاتو په اواري کې یي تري کار واخیست او کله به چې ددولتي مشرانو تر منځ څه زړه ناخوالي راغله؛ نو دا اروابناد دانشیار و چې مات زړونه به یي بیرته ګوشیرول.

شهید رحیم رفعت یو داسي کار پوه او پر انګلیسي ژبي برلاسي او دسیاسي خبرواترو پرمیز خوله ور وچې بهرنیو ورته په خوله کې ګوته نیوله، اروښاد دجهاد په وخت کې دجمعیت اسلامي له مراکزو سره اړیکي لرلي.

شهید وکیل عبدالحسین مقصودي یوه ولسي او زړه راښکوونکي څیره وه، چې دخورا ښه چلن خاوند و او په ولس کې یي رینښي درلودي.

دغسي شهید انجنیر هاشمي په افغانستان کې له کمیابو څیرو څخه و، چې یوازي دمخفي مبارزي او هم هغوي چې څرپالي او نظامي مبارزو کې دمهارت خاوندان وي دهغه شخصیت تحلیلولاي شي.

شهید سید محمد سجادي، دخپلي کورني دریم شهید دي نوموړي دښو اخلاقو خاوند او دفرهنګي چارو ماهر و.

جمعیت اسلامي افغانستان، دانسان روزونکي ښوونځي په توګه دټولوهغو شخصیتونو درناوي کوي چې دهیواد د لوړو ملي ګټو، خپلواکي او ځمکني بشپړتیا له پاره یي سرونه نذرانه کړي دي.

# جرگهٔ امن و توقعات آینده

پوهندوی عبدالعلی کوهی

**جرگهٔ امن یک فرصت برای زدودن تشنج و بحران اعتماد، میان دو کشور مسلمان و همسایه را به وجود آورده است که باید از این شانس تاریخی بهرهٔ فراوان برد و پروسهٔ اعتماد سازی را درمیان دو کشور تقویت نمود و در گام بعدی به یک مبارزهٔ مشترک در جهت نابودی دهشت افگنی گام برداشت**

طرح برگزاری جرگهٔ امن منطقه یی سال پیش در اجلاس سه جانبهٔ سران کشورهای امریکا، افغانستان و پاکستان، در واشنگتن نظر به پیشنهاد آقای کرزی، در کابل، مورد تأیید هر دو رئیس جمهور بوش و مشرف قرار گرفت. این جرگه بعد از آمادگی های مقدماتی به تاریخ (  ) اسد در کابل با اشتراک ۷۰۰ نماینده از هر دو کشور برگزار شد.

هر چند بعضی از حقوقدانان پیرامون چند و چون حقوقی این جرگه سخنان زیاد گفتند، مثلاً گفته شد که چنین میکانیزمی در قانون اساسی افغانستان وجود ندارد و افغانستان و پاکستان دو کشور آزاد و مستقل اند، دارای حاکمیت ملی، پارلمان و نهادهای حقوقی می باشند و ارگان ها و نهادهای منتخب و قانونی جهت رفع تشنج های دو کشور به بحث می نشستند. همچنان گفته شد که در اجرای توافقات جرگه کدام ضمانت اجرایی دیده نمی شود.

اما باید گفت که برگزاری چنین جرگه طوری که دانشمندان، بزرگان دو کشور مستقل و آزاد، در زیر یک سقف به گفتگو می پردازند، این کار در گام نخست از موجودیت یک سلسله مشترکات سیاسی، فرهنگی خبر می دهد که درمیان اقوام این دو کشور وجود دارد و این نمایندگان طوری که جریان جلسات نشان داد، با علاقمندی فراوان در مورد سرنوشت مشترک شان به بحث پرداختند.

تدویر این جرگه بحث روی موضوعی است که سرنوشت هر دو کشور و مردمان دو سرزمین به آن پیوند دارند. این جرگه نیازمندی هر دو کشور را در مبارزه با خشونت و تشنج نشان می دهد.

مشکل دهشت افگنی از یک جهت مربوط به قوم خاص و سرزمین خاص نیست و فقط افغانستان نیست که قربانی دهشت افگنی گردیده است بلکه دهشت افگنی یک معضل جهانی است و ریشه های دهشت افگنی، را می توان در خارج از افغانستان سراغ کرد، اما افغانستان بیشترین قربانی را متحمل گردیده است و برخی مناطق افغانستان بستر مطمئن برای دهشت افگنان قرار گرفته است.

در جرگهٔ امن منطقه یی گفته شد که اقوام دو طرف مرز، قربانی دهشت افگنی قرار گرفته اند. این برداشت می شود تحول و تغییر در سیاست ها و نگاه جدید در برابر دهشت افگنی را به وجود آورد.

جرگهٔ امن از پاکستان می طلبد تا در استراتیژی خویش تغییر اساسی وارد نماید و از تقویت مخالفان افغانستان. تحت هر نام وعنوان جلوگیری کند.

طوری که دیده می شود تعدادی زیادی در دو طرف مرز افغانستان و پاکستان به نتایج و پیامدهای این جرگه امید بسته اند. امید می رود که نتایج به دست آمده از این جرگه بتواند عوامل بحران و بی ثباتی در هر دو کشور را تا اندازهٔ تقلیل بخشد و در رابطه میان افغانستان و پاکستان تا اندازهٔ بهبودی به وجود آورد و میان اقوام، ملیت ها و دولت های هر دو طرف اعتماد سازی نماید.

هدف عمدهٔ برگزاری جرگهٔ امن ریشه کن کردن تروریسم در افغانستان بود اما افغانستان با این حالتی که دارد دشوار است در جنگ با تروریسم و دهشت افگنی موفق به در آید. دهشت افگنی هرچند پدیدهٔ پیچیدهٔ اجتماعی و سیاسی است اما وجود معضلات سیاسی و فساد فراگیر اجتماعی ریشه های آن را آبیاری می نماید. ابزار اصلی دهشت افگنی، نا امنی، بی ثباتی، ایجاد خوف و رعب است تا از این طریق بتواند دولت ها را تضعیف نماید.

دهشت افگنان دو سوی مرز پاکستان و افغانستان را بستر آرام برای فعالیت خویش، انتخاب نموده اند. امروز جریان دهشت افگنی دامن پاکستان را نیز گرفته است و سیاست گذاران این کشور را با مشکلات عدیده مواجه ساخته است. حادثهٔ لال مسجد، حملات دهشت افگنانه و انتقام جویانه، نمودار وضعیت ناگوار در پاکستان را نشان می دهد.

از سخنان هر دو رئیس جمهور و نمایندگان آنها در جرگهٔ امن معلوم می گردد که هر دو کشور درک مشترک از خطر افراط گرایی و دهشت افگنی را دارند و هر دو ملیت می خواهند تا از این خطر، قبل از آن که اوضاع از کنترل خارج گردد، رهایی یابند. وجود تشنج و نامنی در دو سوی مرز نه تنها برای دو کشور افغانستان و پاکستان زیانبار خواهد بود، بلکه جرقهٔ آن به سایر مناطق سرایت خواهد کرد.

جرگهٔ امن یک فرصت برای زدودن تشنج و بحران اعتماد، میان دو کشور مسلمان و همسایه را به وجود آورده است که باید از این شانس تاریخی بهرهٔ فراوان برد و پروسهٔ اعتماد سازی را درمیان دو کشور تقویت نمود و در گام بعدی به یک مبارزهٔ مشترک در جهت نابودی دهشت افگنی گام برداشت. آنچه در مفاد این قطع نامه قابل گفتنی است، همانا جدا داشتن حساب طالبان کشور از دهشت افگنان خارجی است و آنچه انگیزهٔ خارجی دارد، در یک مبارزهٔ مشترک از میان برده شود.

### په مناسبت دهمین سال شهادت شهید غفورزی و همراهانش

# نگاهی به زندگی و کارنامه های شهید غفورزی

عبدالحمید هامی

عبدالرحیم غفورزی فرزند عبدالغفور خان (سریاور) آخرین صدراعظم حکومت مجاهدین بود که در نخستین روز سفر طولانی اش به آسیا و اروپا، به اثر سانحهٔ هوایی در فرودگاه بامیان با تعدادی از همراهانش، شخصیت های مهم دولت مجاهدین به شهادت رسید.

عبدالرحیم غفورزی به سال ۱۳۲۶ و به قولی ۱۳۲۷ خورشیدی برابر به ۱۹۴۷ میلادی در کابل به دنیا آمد و پس از فراغت از لیسهٔ حبیبیهٔ کابل، تحصیلات عالی را در دانشکدهٔ ژورنالیزم دانشگاه کابل به پایان رسانید و متعاقباً در وزارت خارجه به کار رسمی آغاز کرد.

غفورزی آن‌گاه که به منظور اشتراک در اجلاس سالیانهٔ سازمان ملل به نمایندگی از رژیم کمونیستی به نیویارک رفت، در مقر سازمان ملل، حضور ارتش سرخ در افغانستان را انتقاد و در حمایت از جهاد مردم افغانستان سخنرانی کرد و در همانجا پناهنده شد.

سخنرانی غفورزی به حیث نمایندهٔ رسمی رژیم دست نشانده، پیام آور آبروریزی بزرگ در کابل بود و شر و صدا های زیادی را نسبت به رژیم ایجاد کرد.

غفورزی پس از پیروزی مجاهدین، نخست به حیث کاردار نمایندگی دایمی افغانستان در سازمان ملل و پس از آن به حیث معاون سفیر و نمایندهٔ دایمی افغانستان در آنجا مقرر گردید و به سال ۱۳۷۴ به حیث معین وزارت خارجه مقرر شد.

غفورزی در ۱۹ اسد ۱۳۷۶ (۱۲ اگست ۱۹۹۷) در حالی که حکومت مجاهدین از کابل تبعید شده بود، به حیث صدراعظم مقرر شد؛ ولی عمر صدارت او بیشتر از نه روز نبود. او به منظور جلب حمایت جامعهٔ جهانی و مشوره با افغان های متنفذ در خارج از کشور، سفری را به آسیای مرکزی و اروپا برنامه ریزی کرده بود و هنگامی که می خواست به منظور مشوره با کریم خلیلی (معاون کنونی رئیس جمهور) به بامیان سفر کند (۲۱ اگست ۱۹۹۷)، در اثر سانحه یی هوایی با همراهانش به شهادت رسید. با آن که عده یی عملیات تخریبی را عامل آن سانحهٔ هوایی می دانند، اما عبدالقهار عابد سابق رئیس دفتر وزیر خارجه و توریالی زبیر فورمول نماینده آریانا در تاجیکستان که از سرنشینان هواپیما بودند و زنده مانده اند، چنین مساله یی را تأیید نکرده اند.

نواری ویدیویی هم که در آن هنگام از سوی حزب وحدت اسلامی منتشر گردید، نشان می دهد که هواپیما به علت اشتباه خلبان و هم چنان کوتاهی خط نشست، دچار سانحه می گردد و تعدادی از شاهدان صحنه در همان نوار می گویند که هواپیما حد اقل ۲۰۰ متر از خط نشست انحراف کردهٔ بود؛ البته ۲۰۰ متر برای فرودگاه کوچکی مانند بامیان، مسافت کمی نیست.

غفورزی را می توان متحرک ترین دیپلمات حکومت مجاهدین دانست. او پیش از ورود طالبان به کابل در حالی که سایر کارمندان ارشد دولت از مصلحت اندیشی کار می گرفتند، طی بیانیهٔ رسمی از سازمان ملل خواست تا جلو مداخلات پاکستان در امور داخلی افغانستان را بگیرد.

پس از سقوط کابل به دست طالبان در میزان ۱۳۷۵، غفورزی کار با حکومتِ در تبعید را ادامه داد. در ۲۰ جوزای ۱۳۷۶ او طی یک کنفرانس مطبوعاتی در مزار شریف، پاکستان را به مداخله در امور داخلی افغانستان متهم نمود و گفت: "هنگام زود و خورد های اخیر در شمال



افغانستان، صدها نفر پاکستانی که در صفوف طالبان می جنگیدند، اسیر شده اند و در ظرف شش هفتهٔ اخیر پاکستان، تلاش هایش برای کمک به طالبان را افزایش داده و هزاران نفر از ملیشیا های پاکستانی با محموله هایی از سلاح به افغانستان فرستاده شده اند. حزب جماعت اسلامی پاکستان، فعالانه سرباز گیری می کند و آنها را برای پیوستن به نبرد طالبان به افغانستان می فرستد و من نمی توانم بپذیرم که مقامات پاکستان از اعزام این همه سربازان آگاهی نداشته باشند."

۳۱ جوزای ۱۳۷۶ گوهر ایوب وزیر خارجهٔ

**با آن که عده یی عملیات تخریبی را عامل آن سانحهٔ هوایی می دانند، اما عبدالقهار عابد سابق رئیس دفتر وزیر خارجه و توریالی زبیر فورمول نماینده آریانا در تاجیکستان که از سرنشینان هواپیما بودند و زنده مانده اند، چنین مسأله یی را تأیید نکرده اند**

پاکستان در پایان سفرش به آسیای میانه گفت که به زودی طالبان تمام مناطق افغانستان به شمول شمال را تحت کنترل خود در می آرند و نیرو های مخالف، شانسی برای بقا ندارند. مونیکا ویتلاک خبرنگار بی بی سی از آسیای میانه گزارش داد که گوهر ایوب در همه صحبت های خود از خط آهن، تمدید کیبل های برق و رفت آمد های تجاری با آسیای میانه صحبت می کرد. گویی او از کنترل قریب الوقوع بر همه راه های مواصلاتی مطمین بود.

در چنان حالی، غفورزی طی مصاحبه یی، سخنان گوهر ایوب را نوعی کوشش برای مداخله در امور افغانستان خواند و گفت: "این اظهارات به هیچ وجه نمی تواند مسؤولانه تلقی شود و به اظهارات یک وزیر خارجه شباهت ندارد. ما فهمیده نمی توانیم که جناب آقای گوهر ایوب به حیث وزیر خارجه یک کشور مستقل صحبت می کند یا به حیث فرمانده ارشد جنگ طالبان که مکرر به دولت اسلامی افغانستان التیماتوم می دهد".

یک روز بعدتر، گوهر ایوب در اسلام آباد روی سخنان قبلی ... تأکید کرد و در ۲۰ سرطان همان سال، هنگام بازگشت از سفر روسیه با آن که ایفگینی پریماکوف به نماینده گی از وزارت خارجه روسیه مسلط شدن گروه های نظامی بر افغانستان را ناممکن دانست و به اشتباه روسیه در این مورد اشاره کرد، گوهر ایوب گفت که ازبکستان و تاجیکستان و روسیه باید با حکومت طالبان تماس بگیرند و از آمیزش با آنان، از خوف خود بکاهند.

۱۶ اکتوبر ۱۹۹۶، غفورزی در جلسهٔ شورای امنیت سازمان ملل، ضمن آن که اسنادی را مبنی بر موجودیت اسرای پاکستان در میان جنگجویان طالبان، ارائه کرد، به نمایندگی از دولت تحت ادارهٔ استاد ربانی، پیشنهادی را به منظور حل قضیهٔ افغانستان ارائه داشت که در آن آمده بود:

"نیروهای نظامی طالبان باید شهر کابل را ترک کنند، اسلحهٔ ثقیل طالبان باید دورتر از شهر انتقال داده شود که قدرت هدفگیری شهر را نداشته باشد، شهر کابل یک منطقه غیر نظامی اعلام گردد، یک نیروی پلیس تحت نظارت سازمان ملل و سازمان کنفرانس کشور های اسلامی تشکیل و امنیت شهر کابل به آن نیرو سپرده شود و مذاکرات جهت تشکیل یک حکومت عبوری میان همه جناح ها آغاز گردد".

غفورزی در اسد ۱۳۷۶ هنگامی که پست صدراعظم حکومت مجاهدین (جبهه متحد اسلامی برای نجات افغانستان) را عهده دار گردید، تصمیم گرفت تا حکومتی جدید را بسازد. در نخستین نشست، فیصله به عمل آمد که احمد شاه مسعود به حیث معاون رئیس جمهور و وزیر دفاع، ژنرال عبدالملک به حیث وزیر خارجه، حاجی محمد محقق به حیث وزیر داخله و عبدالغفار پهلوان به حیث معاون رئیس جمهور به کار آغاز کنند. قرار بر این شد که غفورزی تا پانزده روز دیگر، کابینه را به صورت کامل اعلام کند.

تشکیل حکومت جدید. برخلاف انتظار جبهه متحد نتوانست در همان آغاز توجه جدی مجامع بین المللی را جلب کند. ایالات متحده تقریباً همزمان با اعلام حکومت جدید افغانستان، بعد از نزاعی میان طالبان و کارمندان مربوط به دولت تحت ادارهٔ استاد ربانی، سفارت افغانستان در امریکا را مسدود نمود و اعلام کرد که به خاطر حفظ بی طرفی چنین گامی برداشته شده است، زیرا در افغانستان حکومتی وجود ندارد.

انتخاب مقر حکومت جدید (مزار شریف) نیز نتوانست قضیه یی بدون درد سر برای جبههٔ متحد باشد. مخالفان. با این کار آنان را به کوشش کردن برای تجزیهٔ افغانستان متهم ساختند و حتا انجنیر حکمتیار که میانهٔ خوبی با طالبان نداشت، حکومت غفورزی را یک کوشش بیهوده توصیف کرد.

غفورزی در اولین اقدام به حیث صدراعظم، بیانیه یی به عنوان بیان خط مشی خود انتشار داد که در آن آمده است:

"به حیث یک شخص غیر وابسته و مستقل عهدهٔ ریاست حکومت را متقبل شدم. امید من آن است تا با سهمگیری در مساعی دسته جمعی عده یی از شخصیت هایی که دلسوزانه از داخل و خارج کشور حاضر می شوند در تشکیل یک حکومت موقت در خدمت به شما قرار بگیرند، سهم شان را در برگشت صلح و ثبات کامل در کشور، تحقق وحدت ملی و اداری کشور از طریق تفاهم صمیمانه و بین الافغانی و مساعد ساختن زمینه برای مراجعه به آرای ملت که یک اصل عمدهٔ عدالت اجتماعی و مشخصهٔ دموکراسی در صدر اسلام است، ایفاء کنیم."

غفورزی در بیان خط مشی خود، آرمان های بزرگی را طرح کرده بود، ولی عمر کوتاه مجالش نداد و بالاخره همان گونه که گفته شد با همراهانش در سانحهٔ بامیان به شهادت رسید و در مزارشریف در محلی بیرون از شهر به خاک سپرده شد و حکومت جبههٔ متحد تا پایان نتوانست بدیلی برای غفورزی بیابد

## کاری بزرگ و هزینه یی کوچک ...

تحت تداوی و نظارت قرار گرفتند، هر معتاد به مدت بیست روز تحت مراقبت شدید قرار می گرفت. مخارج اعاشهٔ معتادان نیز از سوی خانواده و دوستان آنان و یا مردم محل تهیه می شد.

این کمیسیون با این کار تعداد زیادی از معتادان را به هزینه یی بسیار کم تداوی کرده است. از شمار ۲۳۵۰ نفر معتاد ولسوالی که در ابتدا فهرست شده بودند، اکنون بیش از ۷۰٪ آنان از استعمال مواد مخدر دست کشیده و به زندگی عادی بازگشته اند.

گردانندگان این برنامه می گویند به رغم تماس و التماس آنان به تمامی مراجع دولتی و غیر دولتی در ولایت بدخشان، هیچ همکاری یی از آنان دریافت نکرده اند، تنها پزشکان شفاخانهٔ اشکاشم آنان را در صورت وخیم شدن وضعیت بیمار تحت تداوی شان همکاری کرده است که از آنان سپاسگزاری می کنند.

البته اجرای چنین برنامه یی اگر از سوی دولت و یا سازمان مبارزه بر ضد مواد مخدر صورت پذیرد بی تردید بودجه یی هنگفت نیاز دارد. جای دارد چنین کاری بزرگ از سوی دولت و مؤسسات مبارزه با مواد مخدر مورد تقدیر و ستایش قرار گیرد تا فرهنگ اقدامات مردمی در چنین زمینه هایی داده شود.

## بازگشت نواز شریف به پاکستان ...

از همکاری او با سایر سیاستمداران پاکستانی، از جمله بی نظیر بوتو، حمایت کرده است.

با این همه به نظر نمی رسد رئیس جمهور پاکستان که انگیزهٔ خود از کودتای ۸ سال پیش را توطئهٔ نواز شریف برای قتل خود عنوان کرده بود، تمایلی به همکاری با او داشته باشد.

محمد نواز شریف که رهبری حزب مسلم لیگ را برعهده دارد در سال ۱۹۹۰ برای نخستین بار به نخست وزیری پاکستان رسید و اولین دورهٔ نخست وزیری اش تا سال ۱۹۹۳ ادامه یافت اما در ماه اپریل همان سال، رئیس جمهور وقت دستور انحلال مجلس و برکناری دولت را به اتهام فساد مالی صادر کرد.

اما دیوان عالی پاکستان حکم رئیس جمهور را غیرقانونی و ملغی اعلام کرد و حکم به از سرگیری فعالیت مجلس و ابقای نخست وزیر داد.

در ماه جولای همان سال، نواز شریف همراه با رئیس جمهور وقت از سمت های خود کناره گیری کردند و در انتخاباتی که در پی آن برگزار شد، حزب مردم به رهبری بی نظیر بوتو ... قدرت را در دست بگیرد اما خانم بوتو در سال ۱۹۹۷ به دستور رئیس جمهور وقت از کار برکنار و نواز شریف به جای او منصوب ... و تا سال ۱۹۹۹ در این سمت باقی ماند.

## انتخابات ریاست جمهوری ترکیه ...

کاکماکوغلو ۷۰ رأی و ایجلی نیز ۱۳ رأی را به دست آورد.

بدین ترتیب هیچ یک از کاندیداها نتوانستند ۳۶۷ رأی مورد نیاز برای پیروزی در دور اول را احراز کنند. اما از آن جایی که در دور دوم نیز کاندیداها ملزم به کسب همین تعداد رای هستند هیچ یک قادر نخواهد بود این تعداد رأی را به دست آورد بناءً مجبورند در دور سوم انتخابات که در ۲۸ آگست (۶ سنبله) برگزار می شود به رقابت بپردازند. به دلیل این که در دور سوم حد نصاب ۲۷۶ رای برای پیروزی کافی است، به احتمال قوی عبدالله گل از میان کاندیداها پیروز خواهد شد چون حزب عدالت و توسعه به تنهایی اش در پارلمان ۳۴۰ رأی بیش از حد نصاب را دارد.

# گفتاری در علم مقارنهٔ ادیان

سید احمد اشرفی

## مقدمه

از آنجا که عقیدهٔ دینی، از مهم ترین و اساسی ترین ویژگی های زندگی انسانی و عمیق ترین احساس و قوی ترین گرایش در نهاد آدمی است، دانشمندان و متفکران توجه خاصی به مسألهٔ ادیان و مذاهب مختلف جهان مبذول داشته، از ابعاد و زوایای گوناگون، آنها را مورد مطالعه، بررسی، ارزیابی و مقایسه قرار داده اند.

بیش از یک قرن می شود که دین شناسی به طور رسمی در مراکز علمی و اکادمیک جهان راه یافته، و اکنون در کلیه دانشگاه های دنیا تحت عناوین تاریخ ادیان، جامعه شناسی ادیان، دین شناسی تطبیقی و مقارنهٔ ادیان تدریس می گردد.

## تعریف

علم مقارنهٔ ادیان عبارت است از تحقیق علمی موضوعی و بی طرفانه، در ادیان و مذاهب مختلف، و تعیین وجوه اشتراک و مشابهت و اختلاف، و مباینت، میان آنها و کشف مفهوم عام دین و شاخصهٔ اساسی احساس دینی از خلال آن. (۱)

## فائده

نظر به نقشی که دین در تاریخ، فرهنگ و تمدن بشری و عمقی که در روان آدمی دارد تحقیق و تعمق در جامعه شناسی، روان شناسی، مردم شناسی، تاریخ، فرهنگ و همچنان فلسفه و اخلاق، بدون اطلاع از ادیان و عقاید ملل و آگاهی از ماهیت حس دینی غیر ممکن است. از همین جهت می توان گفت کلیه رشته های علوم انسانی به نحوی با این علم ارتباط و خویشاوندی دارد.

مطالعهٔ ادیان برای رشتهٔ ادبیات نیز سودمند و حتی ضروری است زیرا متون دینی و نیایش ها و سروده های مذهبی و عرفانی ملل، از غنی ترین و قوی ترین بخش ادبیات بشر محسوب می شود.

برای یک مسلمان دعوتگر که آرزوی اعتلای اسلام را در سر و شوق پیروزی و قوت مسلمانان را در دل می پروراند، علم مقارنهٔ ادیان، می تواند وسیله یی بسیار خوب و مؤثر برای رسانیدن حقایق اسلام به دیگران باشد، کسی که از عقاید، افکار و آرای دیگران اطلاع و آگاهی ندارد، نمی تواند به درستی آن ها را به راه رستگاری و صراط مستقیم اسلام رهنمون گردد.

از حضرت عمر فاروق (رض) روایت شده که فرموده (لایعرف الإسلام من لا یعرف الجاهلیهٔ) هر که جاهلیت را نداند قادر به فهم اسلام نیست.

**خداوند به رسول اکرم "ص" و ازطریق وی به همهٔ دعوتگران دلسوز هدایت می دهد که: (أدع إلی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتي هي أحسن) "ای (رسول) خلق را به حکمت و برهان و موعظهٔ نیکو به راه خدا دعوت کن، و با مخالفان به بهترین طریق مناظره کن".(۲) مقارنهٔ ادیان با متدی که در اسلام است در حقیقت، مجادله مناظره با بهترین طریق است.**

**بعد از شکست الحاد و کمونیسم و به بن بست رسیدن سرمایه داری، شاهد موجی از دین گرایی در دنیا هستیم، امروز بشریت سرگردان دنبال این می گردد دینی که خلاً معنوی و روحی او را پر کند و به زندگی اش معنی بخشد، ما به عنوان مسلمان و معتقد به یک دین بزرگ آسمانی تحریف ناشده، ناب و توحیدی که می تواند پاسخگوی همهٔ نیازمندی های مادی و معنوی انسان معاصر باشد، باید بشریت را در تلاشی که دارد یاری کنیم، و اسلام را به حیث آخرین پیام آسمانی و بزرگترین هدیهٔ خدایی به او تقدیم نماییم. انجام این مسؤولیت ممکن و میسر نیست مگر این که اول دین و آیین خودمان و سپس سایر ادیان و نحله ها را مطالعه و بررسی کنیم و با یکدیگر مقایسه نماییم.**

مزایا، عظمت ها، اعجازها و شگفتی های اسلام، وقتی می درخشد که با سایر ادیان و کیش های مطرح در جهان مقایسه شود. یک ضرب المثل عربی می گوید: **(تعرف الأشیاء بأضدادها)** اشیاء را با اضداد شان می توان شناخت. همچنان که روشنایی را با تاریکی و سفیدی را با سیاهی و خیر را با شر می شناسیم.

در مطالعهٔ ادیان، محقق مسیر تاریخی هر دین را مورد بررسی قرار می دهد و تأثیر متقابل ادیان را می شناسد، و میزان انحراف و ریشه های بدعت و خرافات وارده در آنها را کشف می کند. پژوهشگر مسلمان از این طریق می تواند به آسیب شناسی دینی بپردازد، و بدعت ها و خرافاتی را که از سایر ادیان در قلمرو دین اسلام نفوذ کرده، شناسایی نموده، در امحای آن بکوشد.

**علم ادیان از افتخارات و ابتکارات مسلمانان است. یکی از عوامل پیدایش، رشد و تکامل این علم، غیر از حس کنجکاوی علمی که در مسلمانان به وفور پیدا شده بود، خود قرآن کریم بود که دربارهٔ عقاید و ادیان ملل مختلف و گوناگون چون نصارا، یهود، مجوس، صابئه، بت پرستان، دهریون وغیره سخن گفته و آن ها را به طور منصفانه و علمی مورد انتقاد قرار داده، و برای جلب و جذب مخالفین و روشن شدن حقایق، حکمت، و موعظهٔ نیکو و مجادلهٔ بالحسنی را توصیه کرده است**

پیشرفت های علمی و تکنولوژی و روند جهانی شدن، همچنان که ممکن است به برخورد و یا گفتگوی تمدن ها بینجامد، گفت و گوی ادیان را نیز در پی خواهدداشت، بر ما مسلمانان است که خود را برای آن روز بیشتر از پیش آماده سازیم.

## پیشینهٔ تاریخی

مقارنهٔ ادیان، به گونه یی که امروز مطرح است، یک علم جوان بوده یک و نیم قرن از عمر آن نمی گذرد، اما گفتگو دربارهٔ عقاید و ادیان بشر، ریشهٔ بسیار سابقه و کهن در تاریخ دارد و به زمان پیدایش اختلاف در ادیان و مذاهب و اعتقادات درمیان انسان ها بر می گردد.

**مسلمانان ده قرن قبل از نهضت علمی اروپا (رنسانس) و مصادف با عصر تاریکی یا قرون وسطای آن، در همه ریشه های علوم انسانی و تجربی دست به تدوین و تألیف و ابتکار و نو آوری زدند، و از جمله در زمینهٔ ادیان علمی را پدید آوردند به نام (ملل و نحل) که تا امروز مایهٔ شگفت و مورد اعجاب دشمنان است**

پژوهش هایی که اخیراً در کتیبه ها و آثار باستانی، در گوشه و کنار جهان صورت گرفته، گوشه هایی از عقاید، سنن دینی، و خدایان مورد توجه انسان ها را روشن می سازد.

قدیم ترین اثری که از ادیان یونان به دست رسیده، دو منظومه است به نام های "ایلیاد" و (اودیسه) منسوب به شاعر بزرگ یونان "هومر" که حدود ده قرن پیش از میلاد مسیح سرده شده است.

هومر در این کتاب علاوه بر این که داستان ها، جنگ ها و ماجراهای ملت یونان را به تصویر کشیده، ضمناً از خدایان یونانی و دشمنان شان و از قربانی ها، توسل ها و نیایش هایی که [illegible] به پیشگاه آنها تقدیم می کرده اند، نیز یاد [illegible] کرده است.

همچنان در تاریخ "هرودوت" (۴۸۴ – ۴۲۵ق.م) بزرگ ترین مؤرخ عصر یونانی از عقاید دینی مردم یونان، و آسیای صغیر، و بابل و ایران سخن رفته است.

کتاب تاریخ (سیسرون) نوشتهٔ مؤرخ عصر رومی (۱۰۶ – ۴۳ق.م) نیز معلوماتی دربارهٔ عقاید، شعایر و عبادات رومیان به دست می دهد.

مهم ترین اثری که در قرون وسطای مسیحیت دربارهٔ ادیان نوشته شده کتابی است از قدیس (اگوستین) در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم میلادی، به نام (شهر خدایی) که در دفاع از مسیحیت و ابطال ـ سائر ادیان و نحل به رشتهٔ تحریر در آمده که مشحون از تعصب مذهبی است [illegible] بر تخمینات و حدسیات.

## پیشتازی مسلمانان در این علم

در اوایل قرن هفتم میلادی، دین مبین اسلام ظهور کرد، و در خلال یک قرن به طور شگفت انگیز و برق آسا، تا دور افتاده ترین مناطق دنیای آن روز انتشار یافت، و از جمله اروپای غربی، اسپانیا، پرتغال، ایتالیا و فرانسه را در نوردید.

مسلمانان ده قرن قبل از نهضت علمی اروپا (رنسانس) و مصادف با عصر تاریکی یا قرون وسطای آن، در همه ریشه های علوم انسانی و تجربی دست به تدوین و تألیف و ابتکار و نو آوری زدند، و از جمله در زمینهٔ ادیان علمی را پدید آوردند به نام (ملل و نحل) که تا امروز مایهٔ شگفت و مورد اعجاب دشمنان است.

کار دانشمندان اسلامی در این زمینه دارای دو ویژگی بود:

۱– آنچه گذشتگان در باب ادیان و مذاهب اقوام نوشته بودند، منظور از آن تحقیق علمی نبود، بلکه از نوع اخبار و گزارش های جهان دیدگان بود، و از نظم و ترتیب علمی عاری و با سایر بحث های تاریخی و فلسفی مختلط بود. اما مسلمانان برای اولین بار، به مطالعه و تدوین علمی ادیان پرداختند و آن را از بقیهٔ علوم و فنون جدا ساختند.

۲– مسلمانان در ارائهٔ ادیان گوناگون، بر خیال پردازی ها و حدس و گمان و تخمینات و احتمالات، تکیه نکردند، و از خرافات و موهوماتی که برخلاف حقایق اصلی ادیان درمیان طبقات جاهل رواج داشت برای اصدار حکم و داوری استفاده ننمودند بلکه تعریف، تحلیل و گزارش های خویش را بر منابع معتمد و دست اول آنها استوار ساختند. (۳)؛

لذا می توان گفت که علم ادیان از افتخارات و ابتکارات مسلمانان است. یکی از عوامل پیدایش، رشد و تکامل این علم، غیر از حس کنجکاوی علمی که در مسلمانان به وفور پیدا [illegible] بود، خود قرآن کریم بود که دربارهٔ عقاید و [illegible]ان ملل مختلف و گوناگون چون نصارا، یهود، مجوس، صابئه، بت پرستان، دهریون وغیره سخن گفته و آن ها را به طور منصفانه و علمی مورد انتقاد قرار داده، و برای جلب و جذب مخالفین و روشن شدن حقایق، حکمت، و موعظهٔ نیکو و مجادلهٔ بالحسنی را توصیه کرده است.

همچنان اصطکاک مسلمانان با پیروان ادیان دیگر، در قلمرو وسیع اسلام و لزوم دفاع از اصول عقاید اسلامی عامل دیگری در پیدایش علم ملل و نحل بود. تسامح و مدارایی که اهل اسلام در برابر نامسلمانان روا داشتند، به خصوص در عصر عباسیان و علی الأخص در عهد مأمون که (غلبه بر دشمن را به حجت می دانست نه به قدرت)، (۴) در بالندگی این علم نیز کمک به سزایی کرد.

بارزترین و مهم ترین آثاری که در این باب از علمای اسلام به میراث مانده از این قرار است:

- الأراء و الدیانات از نوبختی ت ۲۰۲هـ.
- الرد علی النصاری از قاسم بن ابراهیم یمنی، متوفای ۲۴۶هـ.
- جمل المقالات از امام ابوالحسن اشعری، متوفای ۲۳۰هـ.
- المقالات فی أصول الدیانات از مسعودی، ت ۳۴۶هـ.
- الإعلام بمناقب الإسلام از ابوالحسن عامری، ت ۳۸۱هـ.
- المغنی از قاضی عبدالجبار، ت ۴۱۵هـ.
- تحقیق ماللهند من مقوله، مقبولة فی العقل أول مرذولة از ابوریحان بیرونی، ت ۴۴۰هـ.
- الفصل فی الملل و الأهواء و النحل از ابن حزم اندلسی، ت۴۵۶هـ.
- شفاء الغلیل از امام الحرمین جوینی، ت ۴۷۸هـ.
- الملل و النحل از عبدالکریم شهرستانی، ۵۴۸هـ.
- اعتقادات المسلمین و المشرکین از فخر الدین رازی، ت۶۰۶هـ.
- تخجیل من حرف الإنجیل از ابوالبقاء صالح الجعفری، ت۶۱۸هـ.
- الجواب الصحیح لمن بدل دین المسیح، از ابن تیمیة حرانی، ت۷۲۸هـ.
- هدایة الحیاری فی أجوبة الیهود و النصاری از ابن قیم الجوزیه.
- بیان الأدیان از ابوالمعالی محمد بن حسین علوی (به زبان فارسی).
- یکی دیگر از کتاب های بسیار جالب و ارزشمند در این زمینه، کتاب (اظهار الحق) نوشتهٔ شیخ رحمت الله هندی است که در زمان استعمار انگلیس در هند آن را تألیف کرده است. کتاب مذکور جامع ترین و نیرومند ترین اثری است که تا کنون در نقد مسیحیت نوشته شده است، برای ارزش و اهمیت این کتاب کافی است بدانیم یکی از روزنامه های معروف انگلیسی به نام (لندن تایمز) بعد از چاپ آن نوشته بود: (اگر مردم این کتاب را بخوانند پیشرفت مسیحیت متوقف خواهد شد). (۵)

## تلاش اروپائیان

**در قرن هجدهم میلادی و همزمان با استعمار سیاسی و اقتصادی، دانشمندان و مبلغان مسیحی از اروپا به قارهٔ آسیا و افریقا ریختند و ادیان و عقاید مردم مشرق زمین را مورد توجه قرار دادند. کتاب های مقدس ادیان شرقی را به زبان های اروپایی ترجمه نمودند، و تحول تازه یی در علم مقارنه الأدیان ایجاد کردند.**

**از جمله پیش کسوتان در این باب، یکی (فریدریک ماکس مولر) آلمانی است که مطالعه در دین شناسی تطبیقی را با ایراد سخنرانی هایی بسیار و ترجمه و پخش کتب مقدس شرق در پنجاه جلد، تشویق و تحریک کرد. چنانچه ترجمهٔ (اوستا) به زبان فرانسه یی، توسط انکتیل "دوپرون" موجب [illegible]هرت کیش زرتشتی در اروپا گردید.**

---

## پی نوشت ها

۱- الدکتور عادل العوا، (علم الأدیان و بنیة الفکر الإسلامی)، مقدمة ص۷۲
۲- سورة نحل، آیة ۱۲۵
۳- الدکتور محمد عبدالله دراز، الدین، بحوث ممهده لدراسة تاریخ الأدیان ص۹-۱۹
۴- خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج۱۰، ص۱۸۶
۵- ابوالحسن الندوی، الإسلامیات بین کتابات المستشرقین و الباحثین المسلمین، ص۲۹

کسانی که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

# مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

**شعار ما**
رضاي خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ملت

دور ششم سال ششم شمارهٔ شانزدهم شنبه ۳ سنبله ۱۳۸۶ ۱۱ شعبان المعظم ۱۴۲۸ - 25 August , 2007

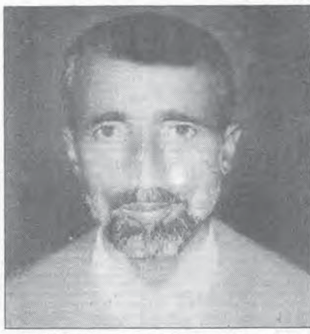

# کاری بزرگ و هزینه یی کوچک

## برنامه یی در مبارزه با مواد مخدر

بدخشان یکی از عقب مانده ترین ولایت های کشور است و ولسوالی های زیباک و اشکاشم و واخان و شغنان و درواز از عقب مانده ترین نقاط این ولایت به شمار می رود. در این مناطق عادی ترین اسباب و شرایط زندگی را کمتر می توان یافت. در کنار فقر و بیماری و عقب ماندگی در این ولسوالی ها استعمال مواد مخدر (افیون) از سالیانی دراز بی داد می کند و تقریباً جه یک عادت عمومی تبدیل شده است.

مبارزه با این پدیدهٔ شوم در این مناطق خواهان برنامه های بسیار وسیع و دقیق و چند بعدی است اما تا هنوز دولت و مؤسسات جامعهٔ جهانی کمتر توانسته اند در این زمینه کاری مؤثر انجام بدهند.

در اواخر ماه حمل امسال (۱۳۸۶) آقای ظفر خان مدیر معارف و ولسوال اشکاشم سید عمران الدین طرح برنامه یی را ریختند تا یک مبارزهٔ مردمی را برضد مواد مخدر در



ظفر خان مدیر معارف ولسوالی اشکاشم

این ولسوالی سازمان بدهند.

طراحان این برنامه همکاری قوماندانی نیروهای سرحدی ولسوالی و دفاتر مؤسسهٔ آغا خان و بزرگان قومی و مؤسسات خیریه و روحانیون مذهبی را نیز جلب کردند و هیأتی را به نام "کمیسیون مردمی مبارزه با مواد مخدر" ساختند.

این کمیسیون همایشی را با حضور نمایندهٔ والی بدخشان در مرکز ولسوالی اشکاشم در ۲۶ حمل امسال برگزار کرد و در طی آن فیصله شد که مردم پس از این مکلفیت دارند که خودشان با کشت و تجارت مواد مخدر و چرس و شراب مبارزه کنند، و متخلفان از سوی مردم مورد مجازات اجتماعی که مغایر قوانین کشور نباشد از قبیل مقاطعهٔ مردمی قرار گیرند.

پس از این همایش در طی بیست روز تمامی معتادان ولسوالی فهرست شدند و نمایندگی های کمیسیون در تمامی روستا به فعالیت آغاز کرد. و مردم متعهد شدند که مخارج تداوی معتادان را خودشان بپردازند.

این کمیسیون به شیوهٔ غیر متعارف تداوی متعادان را آغاز کرد، معتادان هر روستا در میهمانخانه های شخصی و مساجد و جماعت خانه ها **ادامه درص۶**

# بازگشت نواز شریف به پاکستان



براساس رأی دیوان عالی پاکستان، محمد نواز شریف، نخست وزیر پیشین پاکستان که ۸ سال پیش با کودتای نظامی برکنار شد، می تواند به کشورش بازگردد.

به گزارش خبرگزاری بی بی سی، نواز شریف در صدد بازگشت به صحنهٔ سیاسی است و هواداران او که در بیرون از ساختمان دیوان عالی پاکستان به انتظار رأی این دیوان نشسته بودند با اعلام خبر رأی دیوان به شادمانی پرداختند و با سر دادن شعار خواهان کناره گیری پرویز مشرف، رئیس جمهور پاکستان از قدرت شدند.

پرویز مشرف در زمان نواز شریف ریاست ستاد ارتش را به عهده داشت و نواز شریف با کودتای او از قدرت برکنار و بازداشت شد و به اتهام فساد مالی، توطئهٔ قتل رئیس ستاد ارتش، سرقت اموال دولتی، جرایم مالیاتی و تروریسم محاکمه و به چند بار حبس ابد محکوم شد.

سال بعد، ژنرال مشرف با تخفیف مجازات نواز شریف از زندان به تبعید موافقت کرد و او به عربستان سعودی تبعید شد و تاکنون در آن کشور زندگی می کند.

قرار است انتخابات ریاست جمهوری پاکستان ماه اکتبر آینده و انتخابات مجلس قانونگذاری این کشور اواخر سال جاری برگزار شود و ظاهراً نواز شریف در صدد است با شرکت در فعالیت های انتخاباتی بار دیگر به صحنهٔ سیاسی بازگردد.

اواخر ماه جولای هم گزارش هایی در مورد تماس نمایندگان بی نظیر بوتو، نخست وزیر پیشین و تبعیدی پاکستان که در خارج به سر می برد، با نمایندگان ژنرال پرویز مشرف به منظور همکاری احتمالی دو طرف انتشار یافتند.

خانم بوتو در سال ۱۹۹۹ در حالی که دولت پاکستان در صدد بازداشت او به اتهام فساد مالی بود از پاکستان خارج شد و در سال های اخیر در بریتانیا اقامت داشته است.

بوتو تاکید کرده است که در صورت کناره گیری پرویز مشرف از سمت ریاست ستاد ارتش از او در انتخابات ریاست جمهوری حمایت خواهد کرد.

پرویز مشرف از متحدان نزدیک آمریکا محسوب می شود و بر اساس برخی گزارش ها، ایالات متحده **ادامه درص۶**

# نمایشگاه پیروزی حزب‌الله لبنان در جنگ با اسراییل در بیروت

حزب‌الله لبنان نمایشگاهی به نام "تار عنکبوت" از آثار و دستاوردهای جنگ ۳۳ روزه سال گذشته با اسراییل را در جنوب بیروت دایر کرده است.

به گزارش خبرگزاری ایسنا به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس، در این نمایشگاه دستاوردهای جنگی از جمله کلاه‌های ایمنی و پوتین و مهمات و خودروهای زرهی توقیف شده از نیروهای اسراییلی یا آنهایی که توسط این نیروها در خاک لبنان باقی مانده، به نمایش گذاشته شده‌است.

در این نمایشگاه هم چنین عکس‌های غم انگیز غیر نظامیان لبنانی که در حملات هوایی اسراییل کشته شده‌اند، به نمایش گذاشته شده است.

برگزاری این نمایشگاه محکومیت‌هایی را از سوی اسراییل به همراه داشته است.

اگر چه جنگ سال گذشته باعث عمیق شدن اختلافات بین حزب‌الله و منتقدان دستگیری دو سرباز اسراییلی از سوی این گروه شد، اما برگزاری این نمایشگاه هیچ انتقاد آشکاری را در لبنان به همراه نداشته است.

نام این نمایشگاه از سخنان سید حسن نصرالله رهبر حزب‌الله لبنان که گفته است "ارتش اسراییل متزلزل‌تر و ضعیف‌تر از تار عنکبوت است" گرفته شده است.

علی احمد سخنگوی یگان فعالیت‌های رسانه‌یی حزب‌الله گفت: هدف از برگزاری این نمایشگاه گرامیداشت یاد پیروزی تاریخی و استراتژیک و الهی حزب‌الله به یک شیوه صادقانه و هنری است.



اما مارک رگو سخنگوی وزارت امور خارجه اسراییل گفت: این نمایشگاه گرامیداشت یاد نفرت و افراط گرایی و خشونت است و باید محکوم شود.

# اسارت و رهایی خانم آلمانی در کابل



وزارت داخله اعلان نموده است خانم کریستینا مایر شهروند آلمان، روز سه شنبه ۲۸ اسد در حمله به یک خانه در جوسه کابل آزاد شد. در این حمله تعدادی از گروگان گیران نیز دستگیر گردید. گفته می شود ربایندگان خانم کریستینا چند تن از زندان پلچرخی رها شده اند و متعلق به گروهی باج گیر و تعداد شماری از آنان در زندان قرار دارد برای رهایی این دوستان زندانی شان به کار زنده بودند.

خانم مذکور روز شنبه زمانی شوهرش در یکی از رستورانت های غذا می خوردند توسط افراد ناشناس شد. یک روز بعد در نواری که از تلویزیون طلوع نشر شد به زبان فارسی جهت ر خود تقاضای کمک نمود.

یک آلمانی دیگر از یک ماه بدین سو در ولایت میدان وردک در اسارت طالبان به سر می برد وی اخیراً در یک نوار ویدیویی ظاهر شده گفته است وضع صحی اش وخیم می باشد.